

بروزترین و برترین  
سایت کنکوری کشور

[WWW.KONKUR.INFO](http://WWW.KONKUR.INFO)

**K**onkur  
**.info**

<https://konkur.info>

## واژه نامه درس سوم - یازدهم

مُتَفَرِّجٌ: تماشاچی	حَكَمٌ: داور	أَحَلَّ: حلال تر، حلال ترین
مَحَاصِلٌ: محصولات	خَنَقٌ: خفه کرد (مضارع: يَخْنُقُ)	إِشْتَعَلَ: برافروخته شدن، سوختن (إِشْتَعَلَ، يَشْتَعَلُ)
أَلْمُحِيطُ الْهَادِيُّ: اقبانوس	خَائِقٌ: خفه کننده	أَطِيبٌ: خوب تر، خوب ترین = أَحْسَنُ، أَفْضَلُ
آرام	دُرِّيٌّ: درخشان	أَعْجَبَ: در شگفت آورد، خوشش آمد /
مَرْمِيٌّ: دروازه	سَبَبٌ: سبب شد (مضارع: يُسَبِّبُ)	مضارع: يُعْجِبُ / مصدر: إعجاب
مُزَارِعٌ: کشاورز = زارع،	سَجَلٌ: ثبت	يُعْجِبُنِي: خوشم می آید، مرا در شگفت می
فَلَّاحٌ	کرد / مضارع: يُسَجِّلُ / مصدر: تَسْجِيلٌ	آورد
مِشْكَاةٌ: چراغدان	سَيَسَجِّلُ: ثبت خواهد کرد	أَغْصَانٌ، غُصُونٌ: شاخه ها «مفرد: غُصْنٌ»
مُعَمَّرٌ: کهن سال	سِيَّاحٌ: پرچین	إِلْتِفَافٌ: در هم پیچیدن (الْتِفَافُ، يَلْتَفِتُ)
مُلَوِّثٌ: آلوده کننده	غَازٌ: گاز	إِمْتَلَأَ: پر شد مضارع: يَمْتَلِئُ / امر: اِمْتَلِئْ / مصدر
مُواصِفَاتٌ: ویژگی ها	غَرَسٌ: نهال	إِمْتَلَأَ
نَبَتٌ: روئید (مضارع: يَنْبِتُ)	فَالِقٌ: شکافنده	بُدُورٌ: دانه ها «مفرد: بَدْرٌ»
نَصِيفٌ: توصیف می کنیم	قَائِمَةُ التُّرَاثِ الْعَالَمِيِّ: لیست میراث	تَعَادَلٌ: برابر شد
نَوَى: هسته	جهانی	تَذَكَّرَ: به یاد آورد (أَتَذَكَّرُ: به یاد می آورم)
هَدَفٌ: گل	كَلَا: هر دو	تَسَلَّلٌ: آفساید
	لُبٌّ: مغز میوه	جَذَعٌ: تنه «جمع: جُدُوعٌ»
	ما .... من: هیچ .... نیست	جُزُرٌ: جزیره ها «مفرد: جَزِيرَةٌ»
	مُبَارَاةٌ: مسابقه	جَوْزَةٌ: دانه گردو، بلوط و مانند آن
		حَارِسُ الْمَرْمِيَّةِ: دروازه بان

المعرفة و النكرة

اسم از نظر این که برای شخص، شناخته شده باشد یا نباشد به دو گروه تقسیم می شود:

۱- اسم معرفه: اسمی است که نزد گوینده و شنونده یا خواننده شناخته شده است. مانند: المُدَّرس - علیُّ.

۲- اسم نکره: اسمی است که نزد گوینده، شنونده یا خواننده ناشناخته است. زیرا بر فرد، مکان یا چیز نامشخص

دلالت دارد.



۱- اسم عام: اگر اول اسم عام "ال" داشته باشد معرفه است.

مثال: الكتاب - الرجل - المدرسة

۲- اسم عام: اگر آخر اسم عام حرکت تنوین داشته باشد، نکره است.

مثال: كتابٌ - رجلٌ - مدرسةٌ

ترجمه اسم نکره:

اسم نکره به سه صورت ترجمه می شود.

۱- اسم + ی (رَجُلٌ : مردی)

۲- یک + اسم (رَجُلٌ : یک مرد)

۳- یک + اسم + ی (رجلٌ : یک مردی)

رَأَيْتُ طَالِباً ← دانش آموزی را دیدم / یک دانش آموز را دیدم / یک دانش آموزی را دیدم.

## انواع اسم معرفه:

۱- اسم عَلَم (اسم خاص): یعنی نام مخصوص کسی یا جایی؛ که در فارسی به آن اسم خاص و در عربی به آن «اسم عَلَم» گفته می شود.

نام کوچک اشخاص، نام شهرها و کشورها جزء اسم عَلَم بوده و همیشه معرفه هستند.



علی - مریم - ایران



اسم عَلَم حتّی با داشتن تنوین (ـُ) باز هم معرفه هستند و هیچگاه نکره نمی شوند.

مُعَرَّف به ال: هر اسمی که «ال» داشته باشد، مُعَرَّف به ال است. مانند: الکتاب - الطَّالِب - الْقَلَم



ال و تنوین (ـُ) با هم بر سر یک اسم نمی آیند.

بیشتر بدانیم

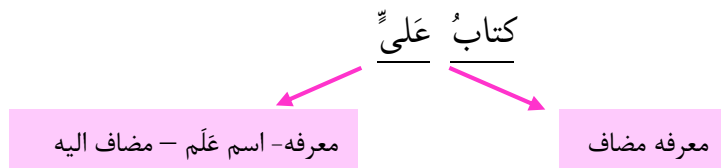
- اگر مضاف الیه، اسم معرفه باشد (مُعَرَّف به «ال» یا اسم «علم»); مضاف نیز اسم معرفه محسوب می شود.



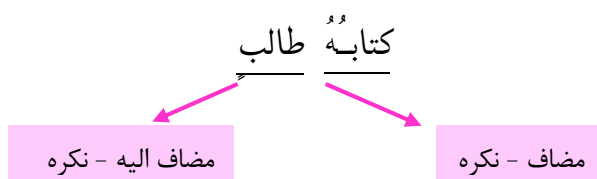
کتابُ الطالب

مُعَرَّف به ال مضاف الیه

معرفه مضاف



- اگر مضاف اليه، اسم نکره باشد، مضاف نیز اسم نکره محسوب می شود



- اسمی که به ضمیر متصل (...ه) یا اسم اشاره (هذا، هذه ...) اضافه شود نیز اسم معرفة می شود. چون ضمیر و

اسم اشاره نیز از انواع اسم های معرفة هستند. کتابُهُ - کتابُ هذا الطالب



بروزترین و برترین  
سایت کنکوری کشور

[WWW.KONKUR.INFO](http://WWW.KONKUR.INFO)

**K**onkur  
**.info**

<https://konkur.info>